



# اهداف و اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدای بزرگ بخشنای بی‌شماری

بنام

شماره مسلسل: ۱۸۵۰۲  
کد موضوعی: ۲۶۰

تاریخ انتشار:  
۱۴۰۱/۸/۲۳



مرکز پژوهش‌های  
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

اهداف و اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی  
در برنامه هفتم توسعه

نام دفتر:

مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین کنندگان:

فاطمه سلیمانی

ناظر علمی:

مهدی امیری

ویراستار ادبی:

شیوا امین اسکندری

طراح گرافیک:

نرجس امیراحمدی

واژه‌های کلیدی:

۱. دیپلماسی اقتصادی
۲. برنامه هفتم
۳. جمهوری اسلامی ایران
۴. سیاست خارجی



۶

چکیده

۷

خلاصه مدیریتی

۹

مقدمه

۱۱

۱. برنامه توسعه و دیپلماسی اقتصادی

۱۲

۲. اولویت‌ها و اهداف راهبردی دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه

۱۶

۳. دلالت‌های راهبردی ناظر بر اولویت‌ها و اهداف دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه

۲۱

۴. پیشنهادات نظارتی مجلس شورای اسلامی

۲۳

نتیجه‌گیری

۲۴

منابع و مأخذ



## اهداف و اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه

### [ چکیده ]

تهیه و تدوین برنامه هفتم توسعه در شرایطی در دستور کار قرار گرفته که جمهوری اسلامی ایران از یک سو در محیط متحول و در حال گذار بین‌المللی به سر می‌برد و از سوی دیگر در معرض فشارهای اقتصادی ظالمانه از سوی آمریکا و متحدانش واقع شده است. در چنین شرایطی تضمین روند توسعه کشور در فرایند انشا و اجرای برنامه هفتم مهم‌ترین ضرورت فراروی کشور قلمداد می‌شود و در این راستا پرداختن به مقوله توسعه از منظر سیاست خارجی با بهره‌گیری از ابزارها و سازوکارهای دیپلماسی اقتصادی مقوله‌ای به غایت حائز اهمیت است. در پاسخ به این ضرورت‌ها، اولویت‌گذاری‌ها و هدف‌گذاری‌های کلان و راهبردی در برنامه هفتم می‌بایست ناظر بر «تحرک بخشی به چرخه قدرت ملی» و «تعیین جایگاه ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل» باشد. حصول این اهداف خود متضمن اهداف مکمل دیگری در قالب «جهش اقتصادی» و «تعیین بخشی به جایگاه ایران در زنجیره ارزش جهانی» است تا هم موازنه قدرت اقتصادی با قدرت سیاسی، نظامی کشور احیا گردد و هم سهم ایران در نظام اقتصادی و تجاری جهانی افزایش یابد. براساس این ضرورت‌های داخلی و خارجی است که برنامه هفتم با محوریت توسعه‌گرایی تدوین می‌گردد. از این رو، گزارش پیش‌رو ضمن احصای اولویت‌ها و اهداف کلان دیپلماسی اقتصادی که مضمون برنامه هفتم می‌باشد به دلالت‌های راهبردی ناظر بر آن نیز به‌طور مفصل می‌پردازد که شامل دلالت‌های ژئواکونومیک، سیاسی و اجرایی و مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها و جهت‌گیری‌های راه‌گشای سیاست خارجی در حوزه دیپلماسی اقتصادی است که منتج به دستاوردهای عملی توسعه‌گرایانه برای کشور خواهد شد. در نهایت نیز بنا به رسالت مرکز پژوهش‌ها به‌عنوان پشتیبان فکری مجلس شورای اسلامی، مجموعه‌ای از پیشنهادات نظارتی ارائه شده است.

## [ خلاصه مدیریتی ]

گنجاندن دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه کشور به معنای اولویت‌بخشی به «توسعه اقتصادی» به‌عنوان اولویت راهبردی و هدف‌گذاری‌های مکمل است تا از تکرار اهداف متعدد، متنوع، کلی، مبهم و پراکنده پرهیز گردد و سایر بخش‌های برنامه در خدمت اولویت‌ها و اهداف مشخص، شفاف و عملیاتی قرار گیرند. دغدغه برنامه‌نویسان در این زمینه باید هم‌نشین‌سازی اهداف رفاهی-توسعه‌ای کشور و کنش‌گری فعال در اقتصاد بین‌الملل با اهداف سیاسی-امنیتی و کنش‌گری مؤثر در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی است.

● ملاحظات توسعه‌محور و محیط‌محور ناظر بر برنامه هفتم اقتضای آن دارد تا هدف‌گذاری کلان در چارچوب «تحریک‌بخشی به چرخه قدرت ملی» با تأکید و تمرکز بر «جهش اقتصادی» به‌عنوان موتور محرکه سایر مؤلفه‌های قدرت انجام پذیرد. این مقصود جز از طریق «تعیین‌بخشی به جایگاه ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل» حاصل نخواهد شد.

● «تحریک‌بخشی به چرخه قدرت ملی» به‌عنوان اولین اولویت برنامه هفتم بر محور «جهش اقتصادی» خودمستلزم اولویت راهبردی دیگر است که بر «تعیین‌بخشی به جایگاه ایران در اقتصاد جهانی» دلالت دارد. امروزه اقتصاد جهانی به‌واسطه زنجیره‌های ارزش جهانی شکل می‌گیرد و موقعیت کشورها در نظام سیاسی و اقتصادی بین‌المللی نیز برحسب جایگاه آنها در این زنجیره‌ها تعیین می‌شود. تعیین‌بخشی به نقش و سهم ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل به‌واسطه مشارکت در زنجیره ارزش جهانی آن‌هم در شرایط تحریمی، موضوعی است که می‌باید در برنامه هفتم در زمره اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی قرار گیرد.

● شکل‌گیری زنجیره جدید ارزش آسیایی با محوریت چین فرصت را برای ایران جهت ورود به این زنجیره جدید و تعیین‌بخشی به جایگاه خود در آن فراهم می‌آورد. اهمیت این سیاست از آن جهت است که در شرایط تحریم و دشواری مبادلات اقتصادی خارجی برای کشورمان، نقش و جایگاه ایران را در تقسیم کار بین‌المللی مشخص می‌کند و از تبدیل شدن آن به صادرکننده مواد خام و واردکننده کالا و خدمات و تمرکز نقشه تجاری ایران بر تعداد محدود شرکا جلوگیری به عمل می‌آورد. بر همین مبنا، ضروریست تا نقش ایران در نسبت با کردورهای متعدد و لایه‌های کنش در آنها تعریف شود.

● مهم‌ترین دلالت‌های راهبردی ژئواکونومیک دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم عبارتند از:  
- مدیریت هم‌بسته‌سازانه مزیت‌های اقتصادی ایران،



– اتصال به زنجیره ارزش آسیایی و ایجاد شبکه‌های درهم‌تنیده منطقه‌ای،  
– طراحی و معرفی مجموعه‌ای از پروژه‌های راهبردی تعریف‌شده مبتنی بر هم‌بسته‌سازی و ذینفع‌سازی قدرت‌ها در فرایند توسعه ایران،  
– جای‌گیری پروژه‌ها و پرونده‌ها در پهنه‌های جغرافیایی به هم‌پیوسته و در نسبت با زنجیره‌های فرمانطقه‌ای و شبکه‌های منطقه‌ای،  
– همسازی و سازگاری استراتژی توسعه صنعتی، برنامه توسعه خطوط انرژی و مسیرهای لجستیکی و در نهایت برنامه آمایش سرزمین کشور با پروژه‌های راهبردی تعریف‌شده،  
– سازگار بودن پروژه‌های راهبردی برون‌مرزی با یکدیگر.

● دلالت‌های راهبردی سیاسی دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم عبارتند از:

– برقراری روابط خارجی مبتنی بر پیوستگی شبکه‌ای با قدرت‌های نوظهور و همسایگان  
– بی‌اعتبارسازی تحریم‌ها از طریق درهم‌تنیدگی اقتصادی با کشورهای منطقه.

● اهم دلالت‌های اجرایی دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم عبارتند از:

– توجه به تأثیر محیط بین‌المللی و بازتعریف رابطه داخل و خارج،  
– امکان تدوین طرح‌های A و B جهت آمادگی سیاسی و انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی اقتصادی در برابر شوک‌های خارجی و چالش‌های داخلی برای جلوگیری از غافلگیری راهبردی،  
– پایش، ارزیابی و بازبینی برنامه در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت براساس «راهبردهای منعطف» به تناسب تغییرات محیطی،  
– جهت‌گیری احکام برنامه براساس تعریف پروژه‌های زیرساختی تحول‌آفرین و پیشران،  
– تعیین زمان‌مندی اجرایی،  
– پیش‌بینی تمهیدات لازم جهت تضمین اجرای پروژه‌ها  
– انتخاب یا ایجاد نهاد‌های مجری برنامه توسعه.

● مجلس شورای اسلامی می‌تواند نقش نظارتی خود بر کارکرد دیپلماسی اقتصادی در راستای اولویت‌ها و اهداف مندرج در برنامه هفتم توسعه را به شیوه‌هایی زیر ایفاء نماید:  
– نظارت بر عملکرد نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور،  
– نظارت بر عملکرد وزارت امور خارجه در اعزام مأموران به خارج از کشور،  
– نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نهادهای فعال در حوزه روابط اقتصادی خارجی و دیپلماسی اقتصادی،  
– نظارت بر راه‌اندازی و عملکرد بانک اطلاعات اقتصادی در وزارت امور خارجه.

## مقدمه

امروزه دیپلماسی در بستر دگردیسی‌های جهانی و در نتیجه تحولات مفهومی و مصداقی فراتر از قالب‌های مضیق سنتی، در حوزه‌های موضوعی و کارگزاری مختلف فعال شده است. در بستر این روند متحول، اقتصاد به حوزه پر کاربرد دیپلماسی و در واقع، بنا به ضرورت‌های متعدد به الزام سیاست خارجی کشورها بدل گشته است. دولت‌ها به اهداف اقتصادی در مراتب اهداف ملی اولویت بخشیده‌اند و تأمین آن را نه فقط با اتکا به منابع داخلی و در سطح ملی بلکه با بهره‌گیری از منابع خارجی و در سطوح فراملی دنبال می‌کنند. در این معنا، دیپلماسی اقتصادی به مفهوم اولویت‌بخشی به اهداف اقتصادی در سیاست خارجی بوده و از ابزارهای مهم پیشبرد رشد و توسعه اقتصادی کشورها به‌عنوان هدفی ملی به‌شمار می‌آید. از این‌رو، امروزه دولت‌ها ناگزیر از تلاقی دیپلماسی و سیاست‌های اقتصادی ملی و بین‌المللی خود و هم‌نشین‌سازی منافع اقتصادی و منافع سیاسی-امنیتی هستند. بر این اساس، تنظیم و بسط روابط اقتصادی به مرکز دیپلماسی منتقل شده و موقعیتی هم‌تراز موضوع‌های سیاسی-امنیتی یافته است؛ به گونه‌ای که علاوه بر تضمین منافع اقتصادی به تحکیم روابط سیاسی و در نهایت ارتقای امنیت ملی کشورها می‌انجامد.

اهمیت روزافزون اهداف اقتصادی و در نتیجه، جایگاه بی‌بدیل دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی موجب شده تا این وجه از کارکرد دیپلماسی به مفهوم محوری (دال مرکزی) در اسناد راهبردی بسیاری از کشورها تبدیل شود. مطالعه برنامه‌های توسعه اقتصادی به‌عنوان نمونه‌ای از یک سند راهبردی در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای تازه توسعه یافته نشان می‌دهد که آنها همه بخش‌های این برنامه‌های خود را در میان مدت (معمولاً پنج‌ساله یا چهارساله) بر پایه هدف کلان توسعه اقتصادی طراحی کرده‌اند. فصل مشترک همه برنامه‌های توسعه‌گرا تعیین اهداف مشخص و عملیاتی ذیل اولویت توسعه اقتصادی و گنجاندن آن در دستور کار سیاست خارجی و در زمره وظایف دستگاه دیپلماسی است. اینجاست که بین کارکرد اقتصادی دولت در داخل و خارج پیوند برقرار می‌شود.





در این چارچوب، جمهوری اسلامی ایران به منظور تحقق اهداف توسعه اقتصادی خود نیازمند بهره‌گیری بیشتر از امکانات و ظرفیت‌های داخلی در پیوند با تعاملات اقتصادی خارجی با استفاده از ابزارهای سیاست خارجی است. با توجه به رئیس کلان مندرج در اسناد بالادستی کشور همانند قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام که کارویژه اقتصادی برای دولت فائلد و همچنین سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ که بر هدف راهبردی تبدیل ایران به قطب قدرت در منطقه در زمینه‌های مختلف تأکید می‌ورزد، برنامه توسعه هفتم کشور نیز لاجرم «قدرت‌سازی ملی» به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی را سرلوحه اهداف خود قرار می‌دهد. این در حالی است که طی سالیان گذشته قدرت‌سازی اقتصادی به‌عنوان یک هدف راهبردی تعیین و تحقق کافی نداشته است. این نقیصه در وجه سلبی، ارتباطی دوسویه با دیپلماسی اقتصادی می‌یابد؛ از یک سو، موجب غفلت از دیپلماسی اقتصادی در روابط خارجی شده و از سوی دیگر، خود معلول ناکارکردی دیپلماسی اقتصادی نیز به‌شمار می‌آید.

پرواضح است که سیاست‌های خصمانه قدرت‌های سلطه‌گر بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران و از جمله وضع تحریم‌های ظالمانه در کنار سیاست‌های امنیت‌زدای دشمنان در منطقه شرایط را برای پیگیری دیپلماسی اقتصادی موفق دشوار ساخته است. با این حال، نمی‌توان از عدم کفایت درک راهبردی در محافل نخبگی سیاسی-اجرایی از ضرورت هدف‌گذاری دقیق و عملیاتی اقتصادی و تقویت روابط اقتصادی خارجی و نیز از عدم نظارت کافی بر دستگاه‌های مسئول و کارگزاران در حوزه دیپلماسی اقتصادی چشم‌پوشی کرد. بر این اساس، نوشتار حاضر بر پایه اسلوب‌های هدف‌شناسی در برنامه‌نویسی توسعه، اولویت‌گذاری و هدف‌گذاری اقتصادی را به‌عنوان یک ضرورت جدی مدنظر قرار داده و با ملحوظ داشتن امکان / امتناع اهداف اقتصادی برنامه توسعه هفتم به‌واکاوای الزامات و دلالت‌های راهبردی و همچنین سازوکارهای نظارتی بر حوزه اجرایی پردازد.

## [ ۱. برنامه توسعه و دیپلماسی اقتصادی ]

ضرورت قرارگیری دیپلماسی اقتصادی در برنامه‌های توسعه از آن جهت است که این برنامه‌ها به عنوان اسناد میانی در مراتبی پس از اسناد کلان مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نقش بسیار مهمی در تحقق اولویت‌ها و اهداف اقتصادی و جهت‌دهی به سیاست‌های توسعه‌گرا در سطوح داخلی و خارجی در یک بازه زمانی مشخص ایفا می‌کنند. به دیگر سخن، پیشبرد این دسته از اهداف مندرج در برنامه توسعه نیازمند دیپلماسی اقتصادی مدون و منسجم به عنوان ابزار نوین تعامل در اقتصاد بین‌الملل است تا از رهگذر آن سهم کشور از بازارهای تولید، تجارت و سرمایه جهانی مشخص شود (ارغوانی پیرسلامی و غلامی، ۱۳۹۷: ۴). بنابراین، اهمیت دیپلماسی اقتصادی به ضرورت توسعه اقتصادی به مثابه یکی از شاخص‌های کارآمدی و قدرتمندی دولت‌گرفته‌خورده که خود مستلزم و متضمن تعاملات و مبادلات منسجم و برنامه‌ریزی شده اقتصادی بین‌المللی است.

اولویت‌گذاری و هدف‌گذاری‌های معطوف به دیپلماسی اقتصادی در برنامه توسعه می‌تواند سبب شود که از تکرار اهداف متعدد، متنوع، کلی، مبهم و پراکنده پرهیز شود و سایر بخش‌های برنامه در خدمت اولویت‌ها و اهداف مشخص، شفاف و عملیاتی قرار گیرند. دغدغه برنامه‌نویسان در این زمینه، هم‌نشینی‌سازی اهداف رفاهی-توسعه‌ای کشور و کنش‌گری فعال در اقتصاد بین‌الملل با اهداف سیاسی-امنیتی و کنش‌گری مؤثر در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی است.

فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی براساس برنامه هفتم در گروی الگویی از توسعه است که ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصاد بین‌الملل در راستای اهداف توسعه‌گرایانه، از تناسب لازم با اهداف سیاسی-امنیتی نیز برخوردار باشد. در این صورت، از «هم‌گرایی میان سیاست خارجی کشور و سند هدف‌محور توسعه‌گرا» (سلیمانی پورلک، ۱۳۹۸: ۱۱۹) جلوگیری خواهد شد.

پرواضح است که نیل به اهداف برنامه مشروط به شرایط ساختاری-محیطی ناظر بر آن است. از آنجا که ساختار فعلی نظام بین‌الملل «دوره گذار» را طی می‌کند و از درجه بالایی از عدم قطعیت، ابهام و پیش‌بینی‌ناپذیری برخوردار است، از این رو، برنامه هفتم توسعه در زمینه هدف‌گذاری می‌باید تدوین استراتژی در قالب سناریوهای مختلف را مدنظر قرار دهد تا در شرایط متحول محیطی از انعطاف لازم برای تغییرپذیری برخوردار باشد. بنابراین، برنامه‌نویسی توسعه در شرایط دگرگون‌شونده محیطی مقوله‌ای زمان‌مند و زمینه‌مند به شمار می‌آید. براساس واقع‌بینی مبتنی بر اقتضات زمانی و زمینه‌ای، هدف‌گذاری محدود، مشخص، شفاف با قابلیت اجرایی‌سازی توأم با نظارت و پاسخگویی دولت به یک الزام تبدیل می‌شود.



با اتکا به این رهیافت و با در نظر داشتن شاخص‌ها و ارزش‌های بومی، دامنه و حوزه هدف‌ها در برنامه هفتم می‌باید به‌طور مشخص تعیین و اولویت آنها روشن شود. اولویت‌بندی اهداف می‌باید از یک‌سو در چارچوب و در انطباق با اهداف راهبردی مندرج در اسناد بالادستی مانند قانون اساسی، سیاست‌های کلی نظام و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ باشد و از سوی دیگر میان اهداف تعیین شده در برنامه ارتباط و سازگاری لازم وجود داشته باشد. به‌علاوه، اهداف می‌باید به‌طور واقع‌بینانه و به‌دور از بلندپروازی‌ها و با در نظر گرفتن توازن میان اهداف متصور و منابع موجود تعیین شود.

بر این اساس، ضروری است تا برنامه‌نویسان مطابق برداشت واقع‌بینانه و همه‌جانبه‌نگر از شرایط داخلی و خارجی به تبیین روشن اهداف و اصول توسعه کشور در برنامه هفتم بپردازند. ملاحظات توسعه‌محور و محیط‌محور ناظر بر برنامه هفتم اقتضای آن را دارد تا هدف‌گذاری کلان در چارچوب «تحرک بخشی به چرخه قدرت ملی» با تأکید و تمرکز بر «جهش اقتصادی» به‌عنوان موتور محرکه سایر مؤلفه‌های قدرت انجام پذیرد. در این میان، «تعیین بخشی به جایگاه ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل» از الزامات اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌شود.

## ۲. اولویت‌ها و اهداف راهبردی دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه

مفروض نوشتار آن است که برنامه هفتم توسعه در ایران مبتنی بر اولویت‌بخشی به توسعه اقتصادی تدوین می‌شود که مستلزم تجهیز امکانات در داخل و تا حد لزوم، تحصیل منابع از خارج است. در این راستا، بخش مهمی از برنامه هفتم بر دیپلماسی اقتصادی متمرکز می‌شود که در گروی تعیین اولویت‌ها و اهداف راهبردی است. بر این اساس، محیط‌سنجی داخلی و خارجی که بستر عملیاتی‌سازی برنامه هفتم به‌شمار می‌آید، ضروری به‌نظر می‌رسد. کندوکاو محیطی کشورمان از یک‌سو نشان از ناموازنه قدرت اقتصادی با سایر مؤلفه‌های قدرت ملی به‌ویژه قدرت نظامی دارد و از سوی دیگر حاکی از سهم ناچیز ایران در اقتصاد بین‌الملل است. بدیهی است که اولویت‌گذاری راهبردی نیز می‌باید معطوف به رفع این دو نقیصه بزرگ باشد.

## ۱-۲. تحرک بخشی به چرخه قدرت ملی

طبق قاعده‌های کلی، قدرت مقوله‌ای تجزیه‌ناپذیر است و توانمندی اقتصادی و ژئواکونومیک یکی از مهم‌ترین عوامل قدرت‌ساز ملی به‌شمار می‌آید که از یک سو متکی به منابع و امکانات داخلی و از سوی دیگر منوط به بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و فرصت‌های خارجی است. از این روست که امروزه سیاست خارجی علاوه بر کارویژه سنتی سیاسی-امنیتی در خدمت توسعه ملی نیز قرار می‌گیرد تا با ابزار دیپلماسی اقتصادی زمینه رفع موانع بین‌المللی توسعه و جذب منابع بین‌المللی برای این مهم را فراهم آورد. در این معنا، توسعه اقتصادی به‌عنوان کلان اولویت کشور در برنامه هفتم تعریف می‌شود که پیشبرد آن حلقه مفقوده قدرت کشور را تکمیل می‌کند. بنابراین، می‌باید بین قدرت ملی و توسعه اقتصادی یک رابطه دوسویه برقرار ساخت؛ رابطه‌ای که متضمن «جلوگیری از عدم پیشرفت راهبردی» کشور و «تضمین توسعه» خواهد بود. با توجه به این دو ضرورت بنیادین است که «تحرک بخشی به چرخه قدرت ملی» به یک اولویت راهبردی در برنامه هفتم توسعه تبدیل می‌شود. ضرورت این اولویت‌گذاری از برآیند مطالعات قدرت‌سنجی ایران حاصل می‌شود؛ چراکه نشانه‌ها و شواهد دلالت بر ناهمترازی قدرت اقتصادی کشور با سایر منابع قدرت به‌ویژه قدرت نظامی دارند و از این رو، ضروری است که قدرت اقتصادی به همپایگی با قدرت نظامی برسد.

قدرت‌سازی اقتصادی متضمن ابتناء بر اصول و ارکان برگرفته از اسناد بالادستی از جمله سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی است. مقام معظم رهبری در بیانات و سیاست‌های ابلاغی خود همواره بر موضوع پیشرفت و توسعه اقتصادی تأکید فرموده‌اند؛ از نام‌گذاری سال‌های اخیر با عناوین اقتصادی و بیانات ایشان به مناسبت‌های مختلف خطاب به مسئولان و مردم و تأکید بر توسعه و «رشد پرشتاب کشور» گرفته تا ابلاغ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و «ترسیم راهبرد تجاری و اقتصادی کشور در دهه پیشرفت و عدالت با استفاده بهینه از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی، تولیدات صادرات‌محور و کسب جایگاه در خور در بازارهای بین‌المللی»، همگی بر ضرورت تقویت ملاحظات اقتصادی در سیاست خارجی و کاربست دیپلماسی اقتصادی دلالت دارند.

بر پایه این گزاره‌های ارشادی می‌توان استدلال کرد که قدرت‌سازی ملی از طریق دیپلماسی اقتصادی حاصل نخواهد شد جز با «جهش اقتصادی» که به «متوازن‌سازی قدرت ملی» می‌انجامد. از آنجاکه سال‌هاست ایران در معرض سخت‌ترین تحریم‌های ظالمانه قرار داشته و چشم‌انداز قابل‌پیش‌بینی نیز نشان از استمرار ساختارهای تحریمی دارد، کارآمدی اقتصادی دولت در جهت پاسخگویی به نیازهای کشور به یک ضرورت تبدیل می‌شود. بر این اساس، توسعه و پیشرفت به‌عنوان مهم‌ترین کارویژه دولت علاوه بر الزامات داخلی، نیازمند مبادلات اقتصادی با جهان خارج است. با تکیه بر این ضرورت و دلالت‌های اعلامی و نهادی‌ناظر بر آن، برنامه هفتم توسعه می‌باید مبتنی بر «تحرک بخشی به چرخه قدرت ملی» به‌مثابه یک اولویت راهبردی باشد تا قدرت اقتصادی و ژئواکونومیک کشور را به سطح قدرت نظامی و ژئوپلیتیک برساند. بخش مهمی از تحقق این اولویت مستلزم کاربست موفق دیپلماسی اقتصادی است.

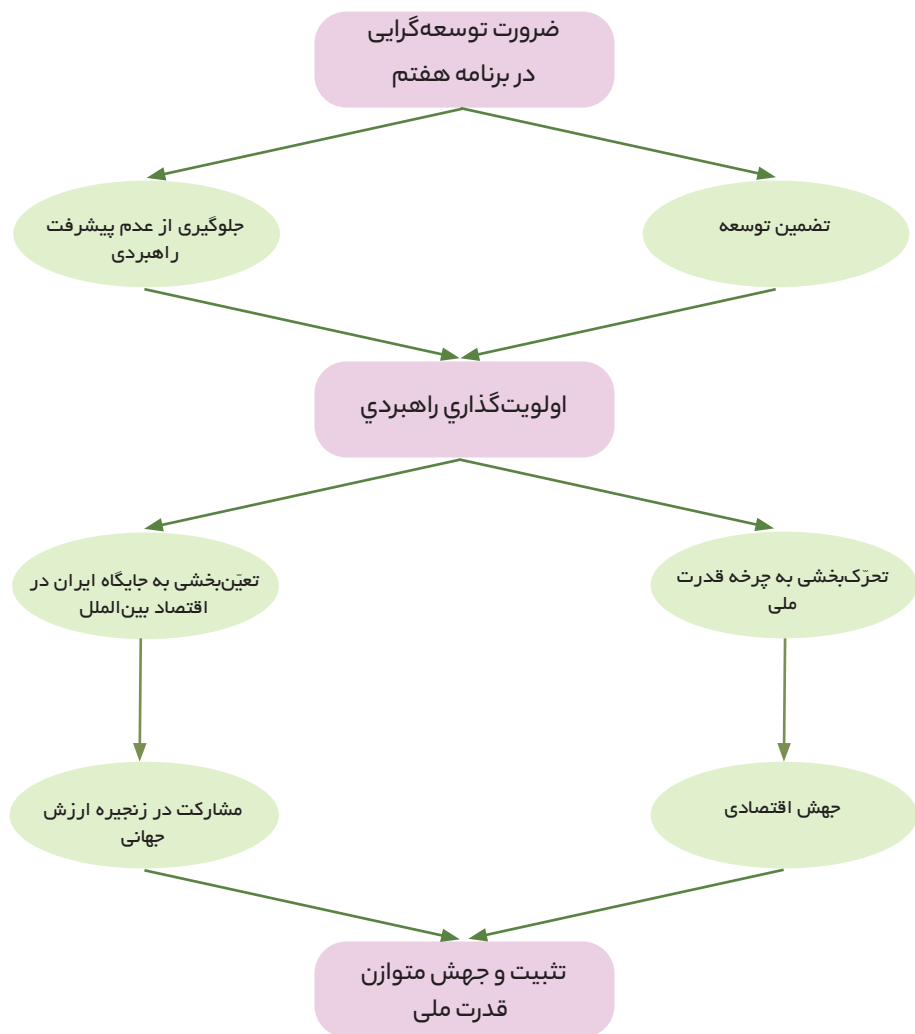


## ۲-۲. تعیین بخشی به جایگاه ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل

«تحرك بخشی به چرخه قدرت ملی» به‌عنوان اولین اولویت برنامه هفتم بر محور «جهش اقتصادی» خود مستلزم اولویت راهبردی دیگری است که بر «تعیین بخشی به جایگاه ایران در اقتصاد جهانی» دلالت دارد. امروزه اقتصاد جهانی به‌دلیل زنجیره‌های ارزش جهانی شکل می‌گیرد و موقعیت کشورها در نظام سیاسی و اقتصادی بین‌المللی نیز برحسب جایگاه آنها در این زنجیره‌ها تعیین می‌شود. در واقع، زنجیره ارزش جهانی به‌عنوان یک نظام مشخص و هماهنگ به‌طور پیوسته به تولید ثروت مشغول است و سهم هر کشور از این ثروت، تابع نقشی است که در نظام زنجیره ارزش جهانی ایفا می‌کند. در ساختار زنجیره، محصول و خدمت نهایی را یک کشور صادر نمی‌کند، بلکه یک محصول یا خدمت ناتمام با حرکت در طول زنجیره ارزش در کشورهای مختلف به صورت نهایی درمی‌آید. هم‌اکنون بالغ بر ۷۰٪ از تجارت دنیا در داخل زنجیره ارزش جهانی است و باقی‌مانده به همان شکل سنتی (صادرات محصول و خدمات نهایی توسط کشورها) انجام می‌گیرد.

از آنجاکه مسیر «توسعه» از «تولید» می‌گذرد، تعیین نقش ایران متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های آن در اقتصاد بین‌الملل هدفی گریزناپذیر است. تعیین بخشی به نقش و سهم ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل آن‌هم در شرایط سخت تحریمی ایران موضوعی است که می‌باید در زمره اولویت‌های دیپلماسی اقتصادی به‌موجب برنامه هفتم توسعه قرار گیرد. اهمیت جایابی ایران در نظام اقتصاد جهانی به جهت سلبی آن است که عدم تحقق این اولویت و در نتیجه عدم نقش‌آفرینی ایران به حذف کشورمان از اقتصاد جهانی و ورشکستگی بنگاه‌های داخلی خواهد انجامید. بر این اساس، پرواضح است که جایابی ایران در اقتصاد جهانی به‌دلیل مشارکت در زنجیره ارزش جهانی در شرایط جدید یک هدف اولویت‌دار محسوب می‌شود. از همین‌رو، کانون دیپلماسی اقتصادی ایران در طول برنامه هفتم توسعه نیز می‌باید تعیین جایگاه کشور در اقتصاد نوین جهانی باشد. شکل زیر به‌وضوح روند اولویت‌گذاری در برنامه هفتم توسعه را نشان می‌دهد:

شکل ۱. ضرورت‌های اولویت‌گذاری راهبردی توسعه گرا در برنامه هفتم توسعه





## ۳. دلالت‌های راهبردی ناظر بر اولویت‌ها و اهداف دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم توسعه

### ۳-۱. دلالت‌های ژئواکونومیک دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم

#### الف) مدیریت هم‌بسته‌سازانهٔ مزیت‌های اقتصادی ایران

بر اساس ضرورت ناشی از رفع تجزیه‌شدگی و ناهمترازی اجزای قدرت ملی، برنامه‌نویسی توسعه می‌باید بر متنوع‌سازی و متوازن‌سازی منابع قدرت کشور استوار شود؛ به گونه‌ای که نوعی هم‌نشینی میان مؤلفه‌های مختلف قدرت ملی به‌ویژه مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی حاصل شود. در وضعیت فعلی، منابع و مؤلفه‌های قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران به شکلی نامتوازن ترکیب شده‌اند، به گونه‌ای که برخی قوی‌تر و برخی ضعیف‌ترند. از این رو، اصلاح این روند در جهت مدیریت بهینه منابع قدرت کشور یک ضرورت آشکار بوده و می‌باید تابع الزاماتی شود که اساساً کارکرد اقتصادی سیاست خارجی در چارچوب دیپلماسی اقتصادی را تقویت کند. در این راستا، فعال‌سازی و به‌ویژه هم‌بسته‌سازی وجوه مختلف دیپلماسی اقتصادی از جمله دیپلماسی ترانزیت و دیپلماسی تجاری و انطباق آن با «استراتژی ساخت ایران»<sup>۱</sup> می‌تواند مزایای اقتصادی بالقوه ایران را فعلیت بخشیده و آن را به کنشگر اقتصادی غیرقابل جایگزین بدل کند. در این صورت، وضعیت فشار حداکثری تحت تأثیر وضعیت مبتنی بر قدرت حداکثری قرار می‌گیرد و آثار و تبعات ناشی از فشارها و تنگناها به‌ویژه تحریم‌ها خنثی می‌شود یا کاهش می‌یابد.

#### ب) اتصال به زنجیره ارزش آسیایی و ایجاد شبکه‌های منطقه‌ای

بر اساس ضرورت ناشی از تعیین جایگاه ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل و با توجه به ماهیت و کارکرد این نظام بر محور زنجیره‌های ارزش جهانی، اتصال به این زنجیره‌ها در شرایط جدید، نه یک انتخاب بلکه یک الزام برای ایران محسوب می‌شود. از همین رو، کانون دیپلماسی اقتصادی ایران در طول برنامه هفتم توسعه نیز می‌باید اتصال به زنجیره‌های ارزش جهانی باشد. با وجود این، باید اذعان داشت که شرایط محیطی کشور اقتضای آن دارد که جمهوری اسلامی ایران در فرایند الحاق به زنجیره‌های ارزش، ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های زنجیره‌های جهانی که در سطح فرمانطقه‌ای جریان دارند، ایجاد یا پیوستن به شبکه‌های به‌هم‌پیوسته منطقه‌ای را نیز توأمان در دستور کار سیاست خارجی خود قرار دهد.

1. Made in Iran Strategy

ساختار و کارکرد هر یک از سه زنجیره ارزش جهانی (زنجیره ارزش آمریکایی به رهبری ایالات متحده، زنجیره ارزش اروپایی به رهبری آلمان و زنجیره ارزش آسیایی به رهبری چین) نشان از چالش‌ها و فرصت‌های حضور و نقش آفرینی ایران طی پنج سال آینده دارد. زنجیره ارزش آمریکامحور تا آینده قابل پیش‌بینی امکان ورود به ایران را نخواهد داد. زنجیره ارزش اروپایی نیز متأثر از تنش دوام‌دار در روابط ایران و ایالات متحده و همچنین فشار تحریم‌ها تا حد قابل توجهی بر روی ایران بسته خواهد ماند، البته نتیجه‌بخشی مذاکرات هسته‌ای می‌تواند وضعیت زنجیره ارزش اروپایی بر روی ایران را به‌صورت پنجره نیمه‌باز تغییر دهد.

سومین زنجیره، زنجیره ارزش آسیایی با محوریت چین است. آنچه چین در سال‌های اخیر به‌عنوان عنصر کلیدی رشد کمی و کیفی در نردبان زنجیره ارزش در زمره سیاست‌های کلان خود ترسیم کرده، نفوذ و تسلط بر زنجیره ارزش جهانی با نقش آفرینی در قواعد و استانداردهای با استفاده از ظرفیت‌های موجود نظام بین‌الملل (شرفخانی، ۱۴۰۰: ۳۹۳) و شکل‌دهی به یک زنجیره ارزش چین‌محور در محیط ژئواکونومیک اوراسیا و آفریقا (شریعتی‌نیا، ۱۳۹۵: ۸۶). از این منظر، زنجیره ارزش جهانی جایگاه خاصی در رقابت هژمونیک چین و آمریکا می‌یابد و باعث می‌شود که ایران برای ورود به آن با محدودیت‌های کمتری در آینده میان‌مدت مواجه گردد؛ چراکه که این زنجیره، کمتر از زنجیره اروپایی تحت تأثیر سیاست‌های ایالات متحده قرار دارد، البته این بدان معنا نیست که زنجیره ارزش آسیایی کاملاً بر روی ایران باز است و کشور می‌تواند در شرایط تحریم، براساس انتخاب‌های خود به این زنجیره متصل شود، اما دشواری‌های اتصال به این زنجیره کمتر از زنجیره‌های آمریکایی و اروپایی است. بنابراین، اتصال به زنجیره ارزش آسیایی چین‌محور بر محور هم‌بسته‌سازی مزیت‌های اقتصادی مختلف کشور که در بخش پیشین به آن اشاره شد، را می‌توان به‌عنوان یکی از مهمترین الزامات راهبردی دیپلماسی اقتصادی در فرآیند اجرایی شدن برنامه هفتم توسعه مطرح کرد.

بر این اساس، جانمایی جدید ایران در عرصه بین‌الملل نیازمند طراحی و معرفی پروژه‌های متعدد به تناسب نیازهای فرامرزی ایران خواهد بود؛ حلقه وصل این پروژه‌ها نیز می‌باید راهبرد «موازنه» و همچنین «دی‌نفع‌سازی قدرت‌ها در توسعه ایران» باشد. پروژه‌های طراحی شده برای تعیین نقش جدید ایران در سطوح منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مستلزم آن است که چند ویژگی توأمان داشته باشند:

جای‌گیری پروژه‌ها و پرونده‌ها در پهنه‌های جغرافیایی به هم پیوسته و در نسبت با زنجیره‌های فرامنطقه‌ای و شبکه‌های منطقه‌ای؛ نه صرفاً پروژه‌هایی که ایران را در زنجیره ارزش یک کشور خاص قرار دهند.

همسازی و سازگاری استراتژی توسعه صنعتی، برنامه توسعه خطوط انرژی و مسیرهای لجستیکی و



در نهایت برنامه آمایش سرزمین کشور با پروژه‌های راهبردی تعریف شده؛ توضیح آنکه استراتژی توسعه صنعتی، توسعه خطوط انرژی و مسیرهای لجستیکی و برنامه آمایش سرزمین کشور باید با نگاه به جایگاه بین‌المللی کشور تعریف شوند نه اینکه در تدوین برنامه‌های فوق، صرفاً پهنه جغرافیایی خود کشور و ظرفیت استان‌های کشور (با مرزبندی‌های ناکارآمد فعلی) مدنظر قرار گیرند.

سازگار بودن پروژه‌های راهبردی برون‌مرزی با یکدیگر؛ به این معنا که هر یک از پروژه‌های برون‌مرزی تعریف شده اولاً باید بتوانند یک یا چند نیاز برون‌مرزی کشور را مرتفع کنند و ثانیاً پیاده‌سازی آن، چالش و مخاطره‌ای برای اجرای سایر پروژه‌های برون‌مرزی ایجاد نکند؛ به بیان دقیق‌تر، مجموعه پروژه‌های تعریف شده باید در یک سازگاری از بیرون به داخل (کل به جزء یا از محیط بین‌المللی ایران به داخل کشور)، مجموعه‌ای از ابزارهای توازن‌بخش را در نسبت با کنشگران بین‌المللی در اختیار نهاد قدرت در کشور قرار دهند.

بنابراین، طراحی و معرفی مجموعه‌ای از پروژه‌های راهبردی تعریف شده مبتنی بر هم‌بسته‌سازی و ذینفع‌سازی قدرت‌ها در فرایند توسعه ایران، در راستای مهیا کردن ابزارهای توازن‌بخش برای جمهوری اسلامی ایران در نسبت با کنشگران بین‌المللی، امری واجد موضوعیت و محوریت است. اهمیت این سیاست چندسطحی از آن جهت است که در شرایط تحریم و دشواری حضور مبادلات اقتصادی خارجی برای کشورمان، نقش و جایگاه ایران را در تقسیم کار بین‌المللی مشخص می‌کند و از تبدیل شدن آن به صادرکننده مواد خام و واردکننده کالا و خدمات و تمرکز نقشه تجاری ایران بر تعداد معدود شرکا جلوگیری به عمل می‌آورد.

بر همین مبنای ضروری است تا نقش ایران در نسبت با کریدورهای متعدد و لایه‌های کنش در آنها تعریف شود. اهمیت مسئله از آنجا نشئت می‌گیرد که حرکت از هر لایه به لایه بعد منجر به تعمیق کنش‌گری کشور در یک کریدور خاص خواهد شد:

پایین‌ترین سطح کریدوری، راه، جاده و همان ترانزیت است.

لایه دوم که درآمدزایی بیشتری دارد ایجاد شرکت‌های لجستیکی است؛ به این معنا که بار به‌صورت کامل توسط شرکت‌های ایرانی حمل و جابه‌جا شود.

لایه سوم آن است که شرکت‌های ایرانی تبدیل به تجارت‌کننده شوند؛ یعنی خرید و فروش انجام دهند و لجستیک را نیز خودشان برعهده بگیرند.

لایه چهارم که بالاترین سطح کریدوری است زمانی محقق می‌شود که ارزش افزوده در مسیر کریدور ایجاد شود و عملاً شرکت‌های ایرانی به‌عنوان صنعت‌گر در کریدور فعال شوند.

تدقیق در لایه‌های کریدوری فوق، یک دلالت مهم را عیان می‌سازد؛ اینکه ایران، باید به‌صورت فعالانه و آگاهانه انتخاب کند که در زنجیره ارزش جهانی و شبکه‌های منطقه‌ای، کدام لایه کریدوری را به‌عنوان نقش

خود تعریف خواهد کرد. واضح است که چنانچه ایران نقش مورد نظر خود را در کریدور تعریف نکند و صرفاً بپذیرد در طراحی کشور مدیریت کننده کریدور بازی کند، آنگاه پایین ترین لایه کریدوری در اختیار ایران قرار خواهد گرفت. به دیگر سخن، تبیین اینکه ایران کدام لایه کریدوری را به عنوان نقطه کنش خود انتخاب خواهد کرد و در حوزه کدام کالا، خدمت یا بخش اقتصادی (پتروشیمی، خودرو، اقلام اساسی خوراکی، صنایع معدنی و...) نقش منحصر به فرد خود را ایفا خواهد کرد، ضرورتی اساسی محسوب می‌گردد؛ زیرا در غیر این صورت، نقشی مناسب و تأمین کننده منافع کشور در اختیار ایران قرار نخواهد گرفت.

## ۲-۳. دلالت‌های سیاسی دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم

### **الف** برقراری روابط خارجی مبتنی بر پیوستگی شبکه‌ای با قدرت‌های نوظهور و همسایگان

نکته مهم دیگر در طراحی دیپلماسی اقتصادی ایران در برنامه هفتم، توجه به محیط همسایگی و قدرت‌های نوظهور است. این در حالی است که تاکنون توجه ایران به محیط همسایگی و به قدرت‌های نوظهور عمدتاً به فراخور نیازهای مقطعی بوده است؛ به دیگر سخن ایران کمتر توجه ژئواکونومیک راهبردی به محیط همسایگی و قدرت‌های نوظهور داشته است. توجه ژئواکونومیک به این کشورها به عنوان کشورهای هدف می‌تواند بخشی از راه حل دیپلماسی اقتصادی ایران در فرایند اجرایی شدن برنامه هفتم توسعه به طرق زیر باشد:

**اول)** تقاطع گیری میان مهم ترین چالش‌های منطقه‌ای و فرصت‌های بین‌المللی ناظر به پیشران‌ها و محدودیت‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران،

**دوم)** تمرکز بر راه‌حل‌های ایجابی و پاسخ‌های توأمان به مسئله توسعه جمهوری اسلامی ایران و نیاز راهبردی قدرت‌های بزرگ و همسایگان به منظور ذی‌نفع‌سازی آنها در روند توسعه ایران در منطقه غرب آسیا،

**سوم)** تعریف نقش ژئواکونومیک داخلی و بین‌المللی به طور هم‌زمان برای مناطق جغرافیایی کشور در الگوی آمایشی،

**چهارم)** عدم تمرکز صرف بر روابط دوجانبه با قدرت‌های بزرگ و همسایگان و ایجاد روابط شبکه‌ای،  
**پنجم)** بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی و مزیت دفاعی در جهت کانالیزه کردن حضور قدرت‌های نوظهور (چین و روسیه) در غرب آسیا از دریچه جمهوری اسلامی ایران و تلقی ایران به مثابه دروازه ورود پایدار به غرب آسیا،

**ششم)** تقدم بخشی به بینا منطقه‌گرایی توسعه مدار بر منطقه‌گرایی اقتصادی به معنای همگرایی اقتصادی منطقه‌ای (سلیمانی پور لک، ۱۳۹۵: ۳۵۳).



## ب- بی اعتبارسازی تحریم‌ها از طریق درهم تنیدگی اقتصادی با کشورهای منطقه

یکی از چالش‌ها و مسائل مهم در فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی در راستای پیشبرد اهداف توسعه‌ای به‌موجب برنامه هفتم وجود تحریم‌های مستمر و تشدیدشونده علیه کشورمان است. از این رو، لغو یا خنثی‌سازی آثار تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای حائز اهمیت فراوانی است؛ به‌ویژه آنکه بخش قابل توجهی از تحریم‌های ایالات متحده علیه جمهوری اسلامی ایران همچنان باقی خواهد ماند، زیرا فضای روابط میان دو کشور و همچنین فضای سیاست داخلی ایالات متحده، اجازه لغو کامل تحریم‌ها در میان مدت را نخواهد داد. بنابراین، در طراحی دیپلماسی اقتصادی ایران در فرآیند اجرای برنامه هفتم توسعه، باید به این نکته توجه کافی مبذول داشت.

یکی از راهکارهای مؤثر جهت رفع تحریم‌ها و کاهش آثار زیان‌بار آن، خدشه‌دار کردن اعتبار ساختارهای تحریمی است. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با به‌دست گرفتن ابتکار عمل در گسترش مبادلات اقتصادی با کشورهای منطقه و تحرکات دیپلماتیک در این راستا گام‌های مهمی بردارد. اهمیت و کارایی این ابتکار عمل دیپلماتیک اقتصادی از آن جهت است که با تعمیق درهم تنیدگی اقتصادهای طرف تعامل، آنها ناگزیر خواهند شد که برای رفع نیازهای راهبری خود، به هر صورتی که شده از سیطره تحریم‌های آمریکا خارج شوند؛ خروج آنها از سیطره تحریم‌های آمریکا می‌تواند با از طریق دریافت مجوز (نظیر پرونده عراق) یا از طریق سرپیچی کشور هدف از تحریم‌های آمریکا و یا در مواردی از طریق تعامل غیرآشکار با اقتصاد ایران عملیاتی شود. از این منظر، ایجاد وابستگی متقابل با همسایگان به‌ویژه در زمینه کالاهای استراتژیک با قابلیت جایگزینی محدود می‌تواند به یکی از اولویتهای حیاتی برنامه توسعه تبدیل شود.

### ۳-۳. دلالت‌های اجرایی دیپلماسی اقتصادی در برنامه هفتم

دیپلماسی اقتصادی در شرایطی مورد توجه در برنامه هفتم توسعه قرار می‌گیرد که جمهوری اسلامی ایران در موقعیت بسیار حساس بین‌المللی واقع شده است؛ از ابهام مذاکرات هسته‌ای گرفته تا تحریم‌های ظالمانه. از این رو، اجرای موفق برنامه در راستای تحقق اهداف توسعه‌گرایانه مستلزم الزاماتی به شرح زیر است:

**نخست آنکه**، ماهیت برنامه‌ای برنامه توسعه با استراتژی درآمیخته شود تا: الف) با توجه به شرایط کنونی بین‌المللی، تأثیر محیط بین‌المللی بر برنامه‌های توسعه ایران و بازتعریف رابطه داخل و خارج در طراحی و اجرای برنامه‌های پنج‌ساله توسعه مورد توجه قرار گیرد؛ ب) امکان تدوین طرح‌های A و B جهت آمادگی سیاسی و انعطاف‌پذیری در برنامه‌ریزی اقتصادی در برابر شوک‌های خارجی و چالش‌های داخلی برای جلوگیری از غافلگیری راهبردی حاصل شود. در این صورت، قدرت مانور کشور در روند اجرای برنامه هفتم

توسعه حفظ می‌شود و به تناسب تغییرات محیطی اجرایی شدن برنامه مورد بررسی و بازبینی قرار می‌گیرد. به‌عنوان مثال، روند تحول تنش میان چین و روسیه با مجموعه غرب بر همکاری ایران با این دو کشور، میزان دسترسی ایران به منابع بین‌المللی، قیمت نفت و بسیاری متغیرهای دیگر اثرات قابل توجهی خواهد داشت. **دوم آنکه**، در متن شرایط مبهم و دگرگون‌شونده جهانی که موقعیت جمهوری اسلامی ایران را متأثر می‌سازد، دیپلماسی اقتصادی ایران باید در بازه‌های زمانی کوتاه‌مدت مورد ارزیابی و بازبینی قرار گیرد. به دیگر سخن، نمی‌توان از یک راهبرد دیپلماسی اقتصادی در طول روند پنج‌ساله اجرای برنامه هفتم توسعه سخن گفت، بلکه دیپلماسی اقتصادی ایران در این شرایط باید به‌عنوان «راهبردهای منعطف» تعریف شود و به تناسب تغییرات محیطی مورد ارزیابی مجدد و بازطراحی قرار گیرد.

**سوم اینکه**، برنامه توسعه هفتم بر اساس اولویت‌ها و اهداف توسعه‌گرا و اقتصادمحور می‌باید پروژه‌های زیرساختی تحول‌آفرین و مرتبط را که نقش پیشران دارند، تعریف و جهت‌گیری اصلی در احکام پنج‌ساله را بر همین اساس تعیین کند.

**چهارم اینکه**، بر مبنای منطق نگاشت نهادی، پروژه‌های مدنظر برنامه می‌باید دارای زمان‌مندی اجرایی بوده و تمهیدات لازم برای تضمین اجرای پروژه‌ها پیش‌بینی شود. در این راستا، ضروری است تا نهادهای مجری برنامه توسعه انتخاب یا ایجاد شوند.

## ۴. پیشنهادهای نظارتی مرتبط با مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی می‌تواند نقش نظارتی خود را بر کارکرد دیپلماسی اقتصادی در راستای اولویت‌ها و اهداف مندرج در برنامه هفتم توسعه به شیوه‌های زیر ایفا کند:

### ۴-۱. نظارت بر عملکرد نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور

نظارت در این نوشتار به معنای کسب اطلاعات از طریق مشاهده و بررسی وضع موجود و تعیین پیشرفت کارها در مقایسه با وضع مطلوب است (متقی و سجادی، ۱۳۹۳: ۴۲). نظارت نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی می‌تواند معطوف به ارزیابی نحوه و نتایج عملکرد نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور با تمرکز بر حوزه‌های اولویت‌دار باشد؛ حوزه‌هایی که در واقع محورهای اصلی و عملیاتی نظارت را در روند اجرای برنامه هفتم توسعه تشکیل می‌دهند. بر این اساس، سازوکارهای نظارتی مجلس می‌باید بر ارزیابی نحوه کارکرد نمایندگی‌ها در زمینه معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری ایران در کشورهای هدف



و اطلاع‌رسانی در خصوص برگزاری رویدادهای اقتصادی مهم در این کشورها؛ تسهیل و زمینه‌سازی برای اعزام هیئت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری خارجی به کشور و پذیرش هیئت‌های اقتصادی و تجاری ایرانی در کشورهای هدف؛ بازاریابی برای سرمایه‌گذاران و تجاری ایرانی در کشورهای هدف از طریق شناسایی و برقراری ارتباط با شرکت‌های سرمایه‌فرست، بانک‌ها و مؤسسات مالی اعتباردهنده و شرکت‌های تجاری در این کشورها؛ شناسایی و معرفی نیازها و اولویت‌های وارداتی بازار کشورهای هدف و محصولات تولیدکنندگان ایرانی به این بازارها متمرکز شود.

#### ۲-۴. نظارت بر عملکرد وزارت امور خارجه در اعزام مأموران به خارج از کشور

یکی از ارکان مهم دیپلماسی اقتصادی آن است که از پشتوانه کارگزاران متخصص در حوزه اقتصادی و تجاری برخوردار باشد. از این رو، مجلس شورای اسلامی می‌باید بر عملکرد وزارت امور خارجه بر اعزام مأموران به خارج از کشور نظارت کافی در بازه‌های زمانی مستمر و تدریجی در طول برنامه پنج‌ساله توسعه هفتم مبذول نماید تا ارزیابی شود که آیا مأمورانی با تخصص‌ها و صلاحیت‌های مرتبط از این وزارتخانه و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط به کشورهای هدف فرستاده شده‌اند یا خیر.

#### ۳-۴. نظارت بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نهادهای فعال در حوزه روابط اقتصادی خارجی و دیپلماسی اقتصادی

دیپلماسی اقتصادی با توجه به ماهیت خود محدود به وزارت امور خارجه نبوده و صرفاً در زمره وظایف و کارکردهای این وزارتخانه محسوب نمی‌شود، بلکه مستلزم مشارکت سایر دستگاه‌ها و نهادهای فعال در حوزه روابط اقتصادی خارجی است. از این رو، نظارت مجلس شورای اسلامی بر نحوه و نتایج کاربست دیپلماسی اقتصادی نیز مستلزم آن است که عملکرد دستگاه‌های اجرایی و نهادهای فعال در حوزه روابط اقتصادی خارجی و دیپلماسی اقتصادی همانند وزارت صنعت، معدن و تجارت؛ وزارت راه و شهرسازی؛ سازمان توسعه تجارت و وزارت نیرو را نیز رصد کند. در این راستا، سازوکار نظارتی می‌تواند بر موظف‌سازی این نهادها به اعلام سالیانه اولویت‌های خود به وزارت امور خارجه در حوزه‌هایی مانند تولیدات مشارکتی، جذب سرمایه، صدور کالا و خدمات به‌منظور هماهنگی مستمر و استفاده از ظرفیت‌های روابط خارجی با کشورهای هدف و نحوه عملکرد آنها طی بازه زمانی برنامه هفتم متمرکز شود.

#### ۴-۴. نظارت بر راه‌اندازی و عملکرد بانک اطلاعات اقتصادی در وزارت امور خارجه

کامیابی برنامه‌ریزی با هر هدف و الگویی، بدون دسترسی به اطلاعات فراگیر و جدید درباره وضع موجود

و نیز بدون ترسیم شاخص‌های کمی وضع مطلوب، تقریباً محال است (خاندوزی، ۱۳۸۹: ۱۶). بنابراین، عملیاتی‌سازی هرگونه پروژه یا فعالیت اقتصادی در سطح بین‌المللی مستلزم بهره‌گیری از اطلاعات و داده‌های لازم و کافی در حوزه‌های مختلف است. از این رو، مجلس شورای اسلامی می‌باید بر راه‌اندازی و عملکرد بانک اطلاعات اقتصادی در وزارت امور خارجه و همکاری نمایندگی‌ها، دستگاه‌های اجرایی و اتاق‌ها جهت متمرکزسازی اطلاعات درباره قوانین و مقررات اقتصادی، تجاری و خدماتی در ارتباط با کشورهای مختلف و اطلاعات مربوط به تجار، سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی و خارجی، نظارت دوره‌ای و منظم در طول دوره پنج‌ساله برنامه هفتم توسعه اعمال کند.

## [ نتیجه‌گیری ]

آنچه برنامه هفتم توسعه را به دیپلماسی اقتصادی پیوند می‌دهد، جستجو برای دستیابی به منابع بین‌المللی توسعه است؛ به دیگر سخن، بخشی از منابع لازم برای اجرای برنامه هفتم توسعه، لاجرم باید از محیط بین‌المللی تأمین شود. در این راستا، دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان حلقه پیوند محیط داخلی به محیط بین‌المللی و در واقع، استراتژی دولت‌ها برای تأمین منابع بین‌المللی توسعه از محیط خارجی، به کانون برنامه هفتم تبدیل می‌شود. به دیگر سخن، برنامه هفتم توسعه کشور برای اجرایی‌سازی اولویت‌ها و اهداف توسعه‌گرایانه اقتصادی نیازمند طراحی دیپلماسی اقتصادی منسجم و واقع‌بینانه است. اهمیت موضوع در بعد سلبی به‌وضوح خود را نشان می‌دهد؛ به این معنا که عدم توفیق برنامه‌ریزی توسعه ملی نه تنها موجب افزایش شکاف توسعه‌ای در سطح بین‌المللی و پیشی گرفتن رقبای ایران می‌شود، بلکه سبب افزایش نابرابری و فاصله بین مؤلفه‌های مختلف قدرت کشور شده و بدین ترتیب چهره‌ای دوگانه و ناهمتراز از قدرت ملی ترسیم می‌شود.

از این روست که «تحرک بخشی به چرخه قدرت ملی» به یک اولویت راهبردی در برنامه هفتم توسعه کشور تبدیل می‌شود. این اولویت در راستای تقویت توانمندی ژئواکونومیک و جهش اقتصادی کشور به نوبه خود مستلزم «تعیین بخشی به جایگاه ایران در نظام اقتصاد بین‌الملل» است. شکل‌گیری زنجیره جدید ارزش آسیایی با محوریت چین فرصت را برای ایران جهت ورود به این زنجیره جدید و تعیین بخشی به جایگاه خود در آن فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی، «قدرت متوازن و تثبیت‌شده ملی» پاسخ‌گوی ضرورت‌های راهبردی کشور خواهد بود؛ ضرورت‌هایی که بر «تضمین توسعه» و «جلوگیری از عدم



پیشرفت راهبردی» کشور دلالت دارند.

بنابراین، پارادایم جدید توسعه در برنامه هفتم متضمن توجه کافی به بازیبندها و بازدارنده‌های تحقق اهداف توسعه‌ای کشور و مستلزم ساز و کارهای نهادینه و «شبکه‌ای» تعاملات و مبادلات اقتصادی با سایر کشورهاست که به نوبه خود کاربست دیپلماسی اقتصادی را ضروری می‌سازد؛ به گونه‌ای که روابط داخل با خارج در راستای تحقق اهداف برنامه تنظیم شود و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های دستگاه‌های مرتبط با دیپلماسی اقتصادی در خدمت اهداف راهبردی مندرج در برنامه هفتم قرار گیرند.

## [ منابع و مأخذ ]

۱. ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و محمدحسن غلامی (تابستان ۱۳۹۷). «دیپلماسی اقتصادی ایران در بستر قوانین برنامه‌های توسعه: آسیب‌شناسی برنامه‌های چهارم تا ششم»، مجله مطالعات حقوقی، دوره دهم، ش ۲.
۲. خاندوزی، سیداحسان (بهار و تابستان ۱۳۸۹). «آرزیابی شیوه برنامه‌نویسی توسعه در ایران (۸۸-۱۳۶۸)»، دوفصلنامه برنامه و بودجه، دوره پانزدهم، ش ۱.
۳. سلیمانی پورلک، فاطمه (زمستان ۱۳۹۵). «چالش‌ها و ضرورت‌های دیپلماسی اقتصادی در ایران و الزامات آن در حوزه سیاست خارجی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌سوم، ش ۸۸.
۴. سلیمانی پورلک، فاطمه (بهار و تابستان ۱۳۹۸). «نسبت‌سنجی کارکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطابق اهداف توسعه‌گرایانه سند چشم‌انداز ۱۴۱۱ و الزامات ناظر بر آن»، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره دوم، ش ۱.
۵. شرفخانی، مجید و دیگران (زمستان ۱۴۰۰). «جایگاه زنجیره ارزش بین‌المللی در رقابت هژمونیک چین و آمریکا»، دوفصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، دوره چهارم، ش ۲.
۶. شریعتی‌نیا، محسن (پاییز ۱۳۹۵). «کمر بند اقتصادی جاده ابریشم: زنجیره ارزش چین محور»، فصلنامه روابط خارجی سال هشتم، ش ۳.
۷. متقی، ابراهیم و حمید سجادی (پاییز و زمستان ۱۳۹۳). «آسیب‌شناسی امکان‌پذیری نظارت و کنترل در برنامه‌های توسعه ایران»، دوفصلنامه علمی-پژوهشی دانش سیاسی، سال دهم، ش ۲.



## مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۲۰۰۰ (۳ خطه) صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: [mrc@majles.ir](mailto:mrc@majles.ir)

وبسایت: [mrc@majles.ir](http://mrc@majles.ir)